

تهران رو در روی حکومت اسلامی!



با بسیج دانشجویی که عکسهای علیه جریانات سیاسی و فعالین دانشگاه در جلوی دانشگاه نصب کرده بودند، بگو مگو کردند و جوانان معترض عکسهای نصب شده را پاره کردند و با بسیج و نیروهای رژیم درگیر شدند. ساعت ۱۰ صبح جلوی در ورودی دانشگاه حدود ۳۰۰ نفر شعار میدادند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی آزادی، دانشجوی زندانی آزاد باید"

صفحه ۲

گزارش حزب
کمونیست کارگری ایران
از تظاهرات ۱۸ تیر
متن قطعنامه ای از تظاهرات

روز ۱۸ تیر علیرغم چندین هفته آمادگی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از هرگونه اجتماع اعتراضی در تهران، نزدیک به صد هزار نفر در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران دست به تظاهرات زدند. علیرغم همه رجزخوانی های قبلی حکومت و غمزها و گل پرانی ها و لیخند زنی های دفتر تحکیم وحدت، مردم معترض به خیابان ها آمدند و تظاهرات جانانه ای را علیه حکومت اسلامی سازمان دادند.

تظاهرات از ساعت نه صبح با جمع شدن تعدادی از جوانان و زنان و مردان در جلو دانشگاه شروع شد. معترضین

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۱۱

۲۴ تیر ۱۳۷۹

۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

خاتمی را آوردند و بردند

... و برلین را به مارکس سپردند



رژیم اسلامی و خاتمی سر میدادند، را ببندد. این اولین دستاورد سفر خاتمی بود. برای پذیرایی از این موجود باید ابتدا خیابانها را قرق کرد، قدم به قدم نیروی مسلح مستقر کرد زور و کتک بکار برد. باید بدون احتیاج به ارائه دلیل و اعلام جرم دستگیر کرد و و باید یک جمهوری اسلامی هم در آلمان برپا کرد، و همین کار را کردند.

صفحه ۲

کامل در آورده بودند. دولت آلمان در طول سه روز حضور خاتمی در مقابل بهت و حیرت همگان نشان داد که چه ظرفیت بالایی در هم قیافه شدن با رژیم فاشیستی حاکم بر ایران دارد. شبانه به خانه افراد اپوزیسیون ریختند. در خانه ها را شکستند و دستگیر کردند. اسراء را به سلول انفرادی فرستادند. تلاش کردند تا بزور خواست دهان افرادی را که شعار مرگ بر

"جمهوری های موز و سرنیزه" آمریکای لاتین بود. در اینجا بر روی شاخه درختها و در درون بیشه ها در مرزها و در اطراف رودخانه ها و بالای ساختمان ها همه جا نیروی نظامی مستقر کرده بودند. در مقابل تظاهرات حزب کمونیست کارگری در برابر ساختمان سفارت رژیم، نفر بر زرهپوش مستقر کرده و بیش از ۱۰ هزار پلیس را برای مقابله با تظاهرات اپوزیسیون بحال آماده باش

مینا احدی

خاتمی صبح روز پنجشنبه ۱۳ ژوئیه به تهران بازگشت. او سفرش را مهم و مثبت ارزیابی کرد و اعلام کرد باید منتظر نتایج دراز مدت این سفر شد.

هنوز چند ساعت از پرواز هواییهای حامل خاتمی نگذشته بود که اعلام شد قراردادهایی بین ایران و آلمان امضا شده است. از جمله اینکه "مجرمین و پناهجویان غیر قانونی؟! به ایران تحویل داده خواهند شد!"

خاتمی در این سفر قول همکاریهای اقتصادی بیشتری را گرفت. اما همه طرفهای درگیر بخوبی میدانند که شبحی که در ایران بر فراز سر رژیم اسلامی در گشت و گذار است، حرف آخر را در مورد همه این توافقات نیز خواهد زد.

دولت آلمان و دست اندرکاران اقتصادی اش بهتر است بنشینند و فیلم چند روز برلین در ایام سفر خاتمی را ببینند. اینجا برلین نبود. اینجا شیلی دوره پینوشه بود. اینجا پاکستان و ایران و عراق بود. اینجا یکی دیگر از

این سید اهل

گلاسنوست نیست!

صفحه ۴

میتینگ و

تظاهرات حزب

علیه سفر خاتمی

صفحه ۳

مقدسات اسلامی

زیر پای مردم!

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

میتینگ و تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه سفر خاتمی



۱۰ ژوئیه: از ساعت ۱۱ و نیم صبح تظاهرات حزب کمونیست کارگری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در برلین شروع شده است. مردم آزادیخواه دسته دسته به تظاهرات می پیوندند. منطقه

بشدت پلیسی است. تعداد زیادی از خبرنگاران رسانه های مختلف آلمانی زبان و فارسی زبان مشغول مصاحبه با کادرهای حزب کمونیست کارگری هستند. دولت آلمان از امروز تا روز ۲۰ ژوئیه یک طرفه قرارداد شینگن را که بر مبنای آن از کشورهای اروپایی همجوار بدون کنترل پاس میتوان به آلمان وارد شد، لغو کرده است. پلیس آلمان از چند روز قبل ارباب مخالفین رژیم در آلمان را آغاز کرده است. به منازل عده زیادی هجوم برده اند. بعضا دستگیر و نیز تهدید کرده اند. بنا به آمار رسانه های آلمان نزدیک به ۲۰۰ نفر دستگیر شده اند و ۸۰۰۰ نفر را از سر مرزها برگردانده اند و یا از ورود آنها به

این تظاهرات و روشنگری های کادرهای حزب و اطلاعیه های وسیعی که در سراسر آلمان و در ابعاد وسیعی پخش شده است تاثیر قابل توجهی در روشن کردن افکار عمومی نسبت به واقعیت جامعه ایران و ماهیت کثیف جمهوری اسلامی بجا گذاشته است. علاوه بر آکسیونهای اصلی حزب در آلمان، تظاهرات و آکسیونهای متعددی نیز از طرف واحد های حزب در کشورهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی برگزار شد.

آزاد شدند. قبل از آن نیز چند نفر را به جرم حمل پلاکارده مرگ بر جمهوری اسلامی دستگیر کرده بود. در این تظاهرات تعدادی از کادرهای حزب از جمله آذر مدرسی، مینا احدی و مریم نمازی سخنرانی کردند.

این تظاهرات و از جمله مصاحبه های آذر مدرسی، مینا احدی و زرتشت احمد زاده، علیرغم سیاست دست راستی حاکم بر رسانه های خبری، از تعداد زیادی از کانالهای تلویزیونی اصلی آلمان و شبکه های ماهواره ای منعکس شد.

بر جمهوری اسلامی از جمله شعارهایی بود که همراه با عکس بزرگی از مارکس توسط تظاهرات کنندگان حمل میشد. تظاهرات کنندگان علیه جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی و علیه اقدامات شرم آور پلیس و دولت آلمان شعار میدادند. هنگامی که جمعیت شعاری در مورد جنایات خاتمی بعنوان یکی از سران حکومت اسلامی و خواست محاکمه او و سایر سران جمهوری اسلامی سر داد پلیس سه نفر را دستگیر کرد که بدنبال اعتراض مردم و بعد از چندین ساعت

فارسی و آلمانی فریاد زنده باد سوسیالیسم را سر میدادند. مردمان زیادی به شوق آمده بودند. میگفتند این ماجرا موجب شد تا "پیرمرد" به خیابانهای برلین بازگردد. خاتمی را مرتجعین آوردند و بردند. اما مارکس با حزب ما به برلین آمد تا بماند. دو روز تمام تصاویر این مارش باشکوه بر صفحه تلویزیونها ساعت به ساعت تکرار میشد.

حزب کمونیست کارگری ایران یکبار دیگر اعلام میکند که مصمم است در صف مقدم مردم ایران به حیات این رژیم نکبت اسلامی پایان داده و بر ویرانه های آن بنیاد یک نظام سوسیالیستی را بنا نهد. نظامی که طلیعه رهایی بشریت در این اوایل قرن بیست و یکم خواهد بود.

فیشر و شرودر شرمستان باد! عظمت کار ما چنان بود که سد سانسور و سکوت مدیای آلمانی را شکست در این سه روز همگان بعینه دیدند که یک جنبش قوی اعتراضی در درون و بیرون مرزهای ایران در جریان است و حرف آخر در زمینه قراردادهای اقتصادی کذایی را نیز همین جنبش خواهد زد.

یکی از زیباترین دستاوردهای فعالیت ما در برلین این بود که روز سه شنبه، روز میتینگ بزرگ حزب کمونیست کارگری ایران، خیابانهای این شهر شاهد مارش عظیم کمونیستها و آزادیخواهانی بود که با انبوه پرچمهای سرخ و تصاویر مارکس، از میدان آگوست ببل به طرف مرکز شهر رژه میرفتند. و به دو زبان

کمونیستها و مخالفین جمهوری اسلامی، نمایندگان چند جریان وابسته به طیف اکثریتی توده ای، ورود رئیس جمهور محبوبشان را به خاک آلمان لیبیک گفتند. از او طلب بخشایش کردند. از پشت درهای بسته و لای خاک پای مبارک برایش پیام خیر مقدم فرستادند. اما اکنون دیگر ورق به ضرر رژیم اسلامی و همکاران رژیم برگشته است. دولت آلمان تنها به بهای یک افتضاح سیاسی شرم آور و با ریختن هزاران پلیس مسلح به خیابانها توانست سه روز با خفت و ترس و لرز از رهبر یکی از جنایتکارترین حکومتهای قرن پذیرایی کند.

در این سه روز برلین چهره دیگری به خود گرفته بود و شاهد یکی از روزهای زیبای خود بود. برلین صحنه تظاهرات عظیم مردمی بود که خواهان رهایی، آزادی و زندگی انسانی بودند. اینها یک صدا فریاد میزدند دولت آلمان حامی کشتارهای دولت ایران است و

انبوه پرچمهای سرخ و بزرگ تظاهرات کنندگان مورد توجه بسیار زیاد قرار گرفت. آزادی، برابری، حکومت کارگری، زنده باد جمهوری سوسیالیستی، مرگ

از صفحه ۱

خاتمی را آوردند و بردند



برای پذیرایی از این مهمان بدنام باید مهندسی افکار کرد. این را رسانه ها و مدیای "با شرف" و نان به نرخ روز خور انجام دادند. اعلام کردند: "مرزها را می بندیم و حکومت نظامی اعلام میکنیم چرا که با اپوزیسیونی طرف هستیم که تروریست است و جان افراد برایش ارزشی ندارد!؟" جای قاتل و مقتول و جای حاکم و محکوم را عوض کردند. به مردم گفتند که جمهوری اسلامی از طرف مردم معترض مورد ظلم واقع شده است. به همین دلیل باید دولت پلیس آلمان به کمک آن بشتابد!؟!

بود که جمهوری اسلامی را نمیخواهند. در این روزها هر هلیکوپتری پرواز میکرد با هوی جمعیت تظاهر کننده روبرو میشد. چرا که خاتمی فقط از آسمان برلین میتوانست حرکت کند.

برلین پیام همبستگی به تهران و آبادان و شاتره فرستاد و در خیابانهای این شهر بزرگ، صدای اعتراض کارگران، زنان و جوانان ایران بازتاب یافت و طنین افکن شد.

اما همزمان با این میتینگها و آکسیونهای وسیع

بهر حال خاتمی آمد و بر فراز سر برلین معلق ماند. اما در پایین و در سطح خیابانها اتفاقات دیگری افتاد که مهم و تعیین کننده اند.

خیابانها با وجود محاصره و ضرب و شتم پلیس آلمان در فرق اپوزیسیون و مردم معترضی

به انترناسیونال هفتگی
کمک مالی کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

این سید اهل گلاس‌نوست نیست!



منصور حکمت
mhckmat@yahoo.com

اوضاع "نظام" مانند روزهای آخر نظام شوروی نیست. حکومت در حال فروپاشی نیست. قبل از هرچیز بخاطر اینکه این سید متدین و عزیزی که رئیس دولت و قائد مجلس است "گورباچف ایران" نیست و "نمی خواهد" (یعنی نباید) باشد.

شباهت هایی که خامنه ای به زعم خود میان اوضاع ایران امروز و شوروی دهسال قبل یافته و سراسیمه بفکر انکار نتایج منطقی آنها افتاده، بسیار کلی و فرمال است. تنها جزء مشترک دو موقعیت شاید اینست که هیات حاکمه ای زیر فشار های اقتصادی و سیاسی از درون دچار تجزیه شده و بخشی از خود حاکمین صحبت از اصلاحات از بالا میکنند. اما این مشخصه همه حکومت‌های بحران زده است. مقایسه این دو وضعیت بیش از آنکه چیزی را روشن کند، گمراه میکند. اما تصور خام و سطحی ای که خامنه ای از

یک نکته بسیار جالب توجه در اظهارات ماههای اخیر سران جمهوری اسلامی اذعان کردنهای جا و بیجا به خطر واقعی سرنوشتی حکومت است. بی آنکه کسی چیزی پرسیده باشد، اعلام میکنند که "ضد انقلاب" و "غرب" و "آیدی بیگانه" بهیچوجه نخواهند توانست نظام را از بین ببرند. رهبر، که گویی منابع خبری ویژه ای دارد که از نزدیک ترین رفقای هم دریغ میکند، وعده میدهد که بزودی توطئه های شومی برای از میان بردن نظام را برملا خواهد کرد. در آخرین و در عین حال دراماتیک ترین موارد این آیت الکرسی خواندن ها و بخود قوت قلب دادن ها، خامنه ای سران قوای چندگانه را جمع میکند تا به یاران نگران خود اطمینان خاطر و به رقبای هشدار بدهد که

باید پرسید این واقعا چه قوت قلبی به خامنه ای و شرکاء میدهد؟ در مثال شوروی مورد نظر خامنه ای، اگر گورباچف کلا به خط سنتی و برژنفی وقت تسلیم میشد و اعلام میکرد که دیگر "گورباچف" نیست، امروز اوضاع در شوروی در چه حال میبود؟ اگر فرضا جبهه دوم خرداد کلا صحنه را برای خامنه ای و شرکاء خالی کند، واقعا چقدر خیال خامنه ای از بابت آینده رژیم اسلامی راحت میشود؟ مساله تماما به این گره میخورد که حکومت چه پاسخی در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی ای دارد که موجب این بحران بوده اند.

نقش دو سید در شوروی و ایران و تاثیرات موقعیت و انتخاباتهای فردی اینها در روند عینی تاریخی دارد کمک میکند سوالات تشویش برانگیز جدیدی را برای ایشان مطرح کنیم.

خامنه ای مشاهده درستی دارد وقتی میگوید این سید اهل گلاس‌نوست نیست. از هم اکنون روشن است که خاتمی شخصا قایق جمهوری اسلامی را تکان شدیدی نمیدهد. خاتمی خاموش ترین و آشتی طلب ترین عنصر جبهه دوم خرداد است. تمام علائم حاکی از آن است که خاتمی نیز مانند خامنه ای در جستجوی یک فصل مشترک سیاسی با جناح مقابل و تنش زدایی است. همگرایی خاتمی و خامنه ای حتی میتواند در ماههای آینده اشکال چشمگیرتری بخود بگیرد. اما

اند، مردمی که رژیم اسلامی را نمیخواهند و فهمیده اند که میتوانند از آن خلاص شوند. مشکل این حکومت اقتصاد است، اقتصادی که از تامین نیازهای اولیه انسانها عاجز است و بر فقر دائم میلیونها انسان بنا شده. مشکل، نظام سیاسی است، نظامی که انسان قرن بیست و یکم را برده و مجرم و صغیر و بی حق تعریف میکند و تحقیر میکند و میکوبد. ایدئولوژی است، مذهب است، دستگاه فکری فاسد و جنایتکارانه ای که بشر را گناهکار می شمارد و سعادت را ممنوع اعلام میکند. ایدئولوژی ای که علنا به جنگ زن می رود. مشکل این نظام، خود این نظام است. نظامی که جلوی تلاش انسانها برای رفاه و برابری و آزادی و سعادت فردی و جمعی شان را سد میکند. مردم حکم به رفتن این نظام دادند. و خاتمی ها برای نجات نظام پا بمیدان گذاشتند. اکنون معلوم شده است که دوم خرداد راه نجاتی برای حکومت اسلامی نیست. مردم دیگر در خیابانند. اگر خامنه ای دنبال قیاس تاریخی در روسیه میگردد، توجه اش را به سال ۱۹۱۷ جلب میکنم.

تلفنهای ارتباط با کمیته کردستان حزب

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته کردستان)
روابط عمومی (محمد آسنگران)
فاکس

(۰۰۴۶ - ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷)
(۰۰۴۹ - ۱۷۷ ۵۶۹ ۲۴۱۳)
(۰۰۴۴ - ۸۷۰ ۱۳۳ ۷۲۰۹)



مقدسات اسلامی زیر پای مردم!

علی جوادی

تکرار شد. در آبادان حمله به مساجد و مراکز تبلیغات اسلامی جزئی از اعتراض مردم علیه دستگاه اسلامی حاکم بود.

این حملات به مقدسات اسلامی نه تنها بیانگر حمله به ایدئولوژی رسمی رژیم آدمکشان اسلامی است. نه تنها نشانگر حمله به پندارهای ضد انسانی و خرافی اسلامی و مذهبی است. نه تنها حمله به اسلام بمثابه افیون توده‌هاست. بلکه علاوه بر همه مختصات ذکر شده حملهای به مراکز تحمیق و شکنجه و ارباع است. حملهای به جنبش مذهبی و آدمکش و رژیم استوار بر این مبانی است. حملهای به جنبش کثیف اسلامی با تمامی سمبلها و باورها و ابزارهای آن است.

بدون تردید هر تحول آزادیخواهانه‌ای در ایران جنبشی ضد مذهب، ضد عقب ماندگی و جهل و ضد اسلامی خواهد

حمله به مساجد، در هم شکستن مراکز تبلیغات اسلامی و حمله به آخوند و عبا و عمامه و به آتش کشیدن قرآن یک استثناء در حرکت اعتراضی مردم نیست. اتفاقی از سر هیجان و یا زودگذر نیست. اقدامی که در هر اعتراض اجتماعی تکرار شود، دیگر استثناء نیست، قاعده است. آگاهانه است. یک رکن پایهای اعتراضات اجتماعی در جامعه است. و به این اعتبار مشخصه اعتراضات کنونی مردم است.

در خلخال مردم حوزه علمیه شهر را بهمراه تمام قرآنها و کتب اسلامیش با آوردن تانکر نفت به آتش کشیدند. در رشت در روز برگزاری مراسم وحشت تاسوعا و عاشورای حسینی چلچراغ هایش را در هم شکستند. عین همین واقعه در خرم آباد

بود. اما این تازه آغاز کار است. آنچه در شرف وقوع است تنها بخشی از آن تلاش عظیمی است که میبایست تحقق پذیرد. برای تصفیه حساب کامل و زدن ریشه اسلام سیاسی و لایروبی کردن جامعه از وجود جنبش اوباش اسلامی در ایران و به تبع آن در منطقه جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی میبایست در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، ادبی و سیاسی به تصفیه حساب با این جنبش ضد انسانی بپردازد. آزادی و خوشی مردم در گرو انجام این تلاش سترگ است.

آزادی در فردای ایران بدون آزادی از مذهب و جنبش اسلام سیاسی بی معنی است!

انترناسیونال هفتگی
www.haftegi.com

Website:
www.haftegi.com

Email:
haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org